

گفت و شنود

بادبیرکل حزب

خوانندگان گرامی !

چندی پیش رفیق محبوب و مبارز دکتر عبد الرحمن قاسطو ، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران ، از مسافرت پنجاهه‌ای که به خارج از کشور انجام داد بازگشت . " کوردستان " این فرصت را غنیمت شمرده با رفیق دبیرکل مصاحبه‌ای انجام داد که ذیلا بنظر شما می‌رسد .

● کاک دکتر قیلا از طرف هیأت تحریریه " کوردستان " به شما خوشامد می‌گویم و در همان حال به خاطر اینکه در این مصاحبه شرکت نمودید و برای پاسخ دادن به پرسشهای ما با خوشوقتی اظهار آمادگی کردید ، از شما تشکر می‌کنیم .

نخستین سؤال ما همه " جریان مسافرت شما را در بر می‌گیرد . آیا امکان دارد بفرمائید هدف شما از سفر امسال به خارج از کشور چه بوده و به چند کشور خارجی مسافرت کرده‌اید ؟

● منم به نوبه خود از شما تشکر می‌کنم . و ضمناً این فرصت را مفتنم می‌شمارم و درودهای گرم خود را تقدیم همه خوانندگان روزنامه " کوردستان " می‌کنم . من به نه کشور سفر کردم که یکی از آنها کشور پرو در آمریکای لاتین و آنهای دیگر کشورهای اروپایی بودند .

در این مسافرت چند وظیفه را بر عهده داشتم . رسیدگی به (وضع) سازمانهای حزبی در خارج و فعالیت دفتر حزب در پاریس . تماس با سازمانهای ایرانی و آن دسته از سازمانهای کردستانی که در خارج نمایندگی دارند و دیدار با سازمانها و

در صفحه ۲

نتیجه: گفت و شنود

تخصیص های خارجی .

در این سفر در کنگره انترناسیونال سوسیالیست نیز شرکت نمود . بدیهی است هدف این بود که هم از طریق مصاحبه با راد یوها و تلویزیونها دوستی و حمایت افکار عمومی در سطح جهان و سازمانهای د مکرات و نشر دوست (بین المللی) را به طرف مبارزه حزب محبوبان و جنبش خلق گردد در کردستان ایران و مبارزه همه خلقهای ایران علیه رژیم خمینی جلب نمایم ، و هم از دوستان خارجی خواستار حمایتهای سیاسی و معنوی گردم و علاوه بر آن از سازمانهای بشر دوست بخواهم با اعزام پزشک فرستادن دارو و قبول پیشمرگان معلول به ما کمک کنند .

همانطور که می دانید اکثریت رهبران نیروهای اپوزیسیون ایران در خارج از کشور زندگی می کنند . آیا شما در این سفر با رهبران این قبیل احزاب و سازمانها ملاقاتهایی داشتاید ؟ اگر دیداری با آنها داشتاید ، با کدامیک از این سازمانها بوده و چه مسائلی را در آن مورد بحث قرار داد اید ؟ بالاخره ، امکان تشکیل يك جبهه متحد از نیروهای میهن پرست برای سرنگون ساختن رژیم جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی می کنید ؟

● تماس با سازمانهای ایرانی برای ایجاد همکاری و همپیمانی و نتیجه تا به منظور تشکیل جبهه بوده است . می توانم بگویم تقریباً با اکثریت نیروهای مخالف رژیم ، که سلطنت طلب نیستند ، مذاکره شده است .

همه این نیروها امید زیادی به حزب د مکرات دارند ، و فکر می کنند حزب د مکرات باید برای ایجاد همکاری در میان نیروهای ایرانی نقش مهمی داشته و پیشقدم باشد . رویه رفقه ، استقبالی که از پیشنهاد های حزب د مکرات برای ایجاد وحدت و تشکیل جبهه بعمل آمده بیشتر از آن بود که انتظار می رفت .

بعد از تحرییات تلخ هفت سال گذشته ، بسیاری از نیروهای د مکرات و سازمانها و شخصیت ها این اعتقاد را پیدا کرد اند که اتحاد و همبستگی نیروهای د مکرات کاملاً ضرورت دارد .

با سازمانها و افرادی که گفتگو کردم ، چه سازمانهای مارکسیستی و چه شخصیت های آزاد یخواه ، همگی معتقدند که اکنون در عرصه مبارزات سیاسی ایران خلأی بوجود آمده است . البته بنظر د مکرانها و آزاد یخواهان ، سلطنت طلبان بدیل نیستند و آلترناتیو به حساب نمی آیند . آنها نمی توانند جانشین رژیم خمینی بشوند ، چرا که از نظر تاریخی امتحان خود را در این آزمایش شکست خورده اند . همچنین اگر به هنگام عضویت حزب د مکرات و چند سازمان و شخصیت دیگر در شورای ملی مقاومت ، این شورا بعنوان بدیلی برای جانشینی رژیم خمینی به حساب می آمد ، اکنون این امکان کمب تواند بصورت يك آلترناتیو د مکراتیک درآینده کشورمان مطرح باشد را از دست داد هاست .

از این رو است که همه د مکرانها بطور کلی دریافته اند چنین خلأی باید بوسیله يك جبهه وسیع و درگیر کننده همه سازمانها و شخصیت های د مکرات پر شود . زیرا

همگی احساس می کنند شرایط موجود در ایران از حساسیت فوق العاده ای برخوردار است و رژیم خمینی با مشکلات فراوانی روبرو شده است . بنابراین لازم است هرچه زودتر - البته بعد از جارسازی همه مشکلات - يك جبهه د مکراتیک با شرکت کلیه آزاد یخواهان ایران تشکیل شود .

در مورد اهداف جبهه ، که در پیشنهاد های حزب آمده و در شماره ۱۱۴ روزنامه " کوردستان " منتشر شده است ، همگی در اصول نظر موافق داشتند . باین معنی که این چهار هدف کلی که عبارتند از ایجاد يك رژیم مستقل ، بیطرف و غیر متعهد ، تأمین د مکراسی و آزادیهای د مکراتیک در ایران ، تأمین حقوق ملی خلقهای تحت ستم ایران به شیوه خود مختاری یا فدراتیو ، و تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان که اکثریت مردم ایران را تشکیل می دهند ، مورد قبول همه قرار گرفته است . شاید در مورد چگونگی فرمول کردن بعضی از هدفها اختلاف سلیقههایی باشد . لیکن بطور کلی همه کسانی که با آنها به مذاکره نشستام با پیشنهاد های حزب موافق بودند . همگی نیز معتقد هستند که آرمان جبهه تنها سرنگون ساختن رژیم خمینی نیست ، بلکه باید چنان بدیلی بوجود بیاید که بتواند بعد از سرنگونی رژیم جانشین آن گردد . از این رو همه کسانی که مخالف رژیم سلطنتی هستند و بهر شیوه ای علیه رژیم خمینی مبارزه می کنند و به رهبری و پلورالیسم سیاسی ایمان دارند ، می توانند در این جبهه شرکت نمایند .

بعلاوه، در مورد چگونگی تشکیل جبهه گفتگوی بسیاری بعمل آمد. در این باره نیز بطور کلی می توان گفت توافق نظر وجود دارد. نخست باید گفت درست است که تشکیل جبهه يك امر كاملاً ضروری است. لیکن نباید در این مورد عجله بخرج داد. باید قبلاً همه مشکلات مربوط به جبهه حل و فصل شود؛ برنامه آن تنظیم گردد؛ آیین نامه داخلی آن نوشته شود؛ و اعضا (بالقوه) جبهه دور هم جمع شوند و دو سند اساسی (برنامه و آیین نامه) را تصویب نمایند. کاملاً روشن است که این مسأله نیز پیرو سیاست که هم نیازمند وقت است و هم به فعالیت احتیاج دارد. از این رو است که از یک طرف، تشکیل جبهه نمی تواند زیاده تأخیر بیافند، و از طرف دیگر برپایه تجربیاتی که از شورای ملی مقاومت داشتیم، باید همه این مشکلات را پیش از تشکیل جبهه چار سازی نمائیم. اهداف جبهه را به روشنی فرمول کنیم تا چنان مشکلاتی باقی نماند که در همان آغاز تشکیل جبهه بصورت موانعی بر سر راه فعالیت چنین جبهه در مکرانیک درآید. مسأله مهم این است که همه طرفهای شرکت کننده مدوّه باشند که پارغايت اصل پلوراليسم در مکرانیک و با خود داری از گوشه پیرای تحمل هژمونی خود در این جبهه، باید فضای سالمی را در جهت همکاری در درون جبهه بوجود آورند. اگر چنین فضایی حقیقتاً در مکرانیک باشد و همه نیروها بتوانند در آن بایکدیگر همکاری کنند، خود نمونای خواهد بود برای همکاری و همزیستی در آینده پس از

سرنگونی رژیم خمینی. برای آنکه این نیروها بتوانند در اداره امور کشور و سیاست میهن مان نیز بایکدیگر همکاری نمایند، می توانیم بگویم بطور کلی استقبالی که از پیشنهاد های حزب مکران برای تشکیل جبهه در مکرانیک بعمل آمده بیش از آن بود که انتظار می رفت. اکنون معتقد چنانچه این گونه تماسها ادامه داشته باشد، و با همه نیروها و شخصیت ها و سازمانهای مکرانیک که تاحال با آنها در این باره صحبتی نشده، تماس گرفته شود، جبهه در مکرانیک ضد امپریالیستی، که پیشنهاد حزب ما است، در آینده نه چندان دوری تشکیل خواهد شد، (جبهه ای) که برای اکثریت خلقهای ایران، که طرفدار آزادی و دموکراسی، استقلال ایران و تأمین حقوق زحمتکشان هستند، مایه امید خواهد بود.

● کاک در کمر، چنانچه امکان دارد، بفرومائید مسأله کرد بطور اعمو مسأله کرد در ایران، بطور اخص، از طرف افکار عمومی و نیروهای مرفعی کشورهای خارجی چگونه شناخته شده و هم در دی نیای خارج با مردم کردستان چگونه است؟

● می توان گفت در کشورهای اروپایی، بطور کلی بیش از گذشته، راجع به مسأله کرد صحبت می شود، و حتی این مسأله به امریکا نیز کشیده شده است. با هر شخصیت سیاسی یا بشردوستانه و یا با هر نماینده ای از سازمانهای سیاسی در مکرانیک - احزاب سوسیالیست، کمونیست، در مکرانیک و لیبرال - صحبت کردیم، با مبارزه خلق کرد کاملاً ابراز هم در دی کرد ماند و خواستهای ما را عادلانه و برحق دانستند. حتی

گاهی تعجب می کنند از اینکه در ایران، حزب ما صرفاً بخاطر خواست عادلانه خود مختاری محبوب شده است هفت سال به جنگ مسلحانه ای علیه رژیم خمینی دست بزنند، بخاطر آنکه خلق کرد امور داخلی کردستان را خود بدست بگیرد؛ زبان کردی در مدارس تدریس شود و مردم کردستان از زیر فشار استعماری و زورگویی کسانی که از طرف دولت مرکزی در کردستان حاکمیت را در دست خود گرفتند، رهایی یابند.

البته سازمانهای سیاسی و شخصیت ها بطور آزاد انصری از مسأله کرد پشتیبانی می کنند. اما وقتی دولتها با این مسأله برخورد می کنند، این پشتیبانی گاه هر می یابد. دلیل آن نیز روشن است: دولتها بطور کلی بخاطر شرایط ژئوپلیتیکی، یعنی وضع سیاسی و جغرافیایی کردستان، و از آنجایی که بایکی از دولتهای کمر کشورشان جمعیتی از کرد ها زندگی می کنند، روابط دوستانه ای دارند، آشکارا جرات نمی کنند - یا نمی خواهند - از جنبش رهایی بختر خلق کمر پشتیبانی کنند. لیکن بسیاری از افرادی که در داخل دولت های خود نیز نفوذ دارند، و من با آنها صحبت کردم، از قبیل نمایندگان مجلس، وزراء و مقامات دیگر، خود را پشتیبان مبارزه خلق کرد می دانند. فکر می کنم اگر مسأله کرد بیشتر از گذشته به افکار عمومی جهان شناسانده شود و مخصوصاً رادیوها و تلویزیون ها و روزنامه ها در این خصوص مطالب بیشتری را منتشر نمایند و افکار عمومی در سطح جهان را بهتر با این مسأله

آشنا سازند و تدبیرجا آن را در جهت پشتیبانی از این مسأله سوق دهند، آگاه عده زیادی از این دولتها نیز مواضع خود را نسبت به مسأله کرد مساعدتر خواهند کرد و شاید آن وقت جرأت بکنند بطور آشکار از مبارزه خلق کـــرد پشتیبانی نمایند.

اما اجازه بدید این حقیقت را نیز بگویم که این پشتیبانی در مورد خلق کرد در ایران بیشتر به چشم می خورد. این مسأله از يك طرف بدلیل آن است که رژیم خمینی در خارج به عنوان يك رژیم ارتجاعی و ضد خلقی شناخته شده و مردم جهان مبارزه خلق کرد را مبارزه عادلانه می دانند. از طرف دیگر به این علت است که حزب دمکرات را به عنوان يك حزب مسئول و انقلابی، و در همان حال دمکرات، می شناسند. این مسأله که حزب دمکرات تروریسم را محکوم می کند، دست به گروگان گیری نمی زند، هواپیمای ربای نمی کند، و تنها در عرصه فعالیت های اصولی، شجاعانه و به شیوه های انقلابی، مبارزه می کند، و در همان حال نیز يك سیاست انسانی و دمکراتیک را به پیش می برد، بنظر مردم جهان اهمیت بسیار زیادی دارد. بعاین دلیل، می توان گفت که اینک نظر دولتها، شخصیت ها، سازمانها و احزاب سیاسی و سازمانهای بشر دوست، بیشتر از گذشته به جانب حمایت از مبارزه خلق کرد در ایران جلب شده است، و بدون تردید، چنانچه مبارزه خلق کرد در کردستان ایران منظم تر از گذشته پیش برود و این مبارزه به دنیای خارج شناسانده شود، پشتیبانی

مردم جهان از ما افزون تر خواهد شد و صورت آشکارتری پیدا خواهد کرد. افکار عمومی در سطح جهان رژیم خمینی را چگونه می شناسد؟ آیا کشورهای وجود دارند که با رژیم خمینی روابط دوستانه داشته باشند و با آن همکاری کنند؟

بدون تردید، رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور نیز به عنوان يك رژیم ضد دمکراتیک، ضد انسانی و تروریست شناخته شده است. افکار عمومی در سطح جهان بر ضد جمهوری اسلامی و رژیم آخوند ها تحریک شده است و نه فقط هیچ سازمان دمکراتیک، آزادخواه و مرفقی ای، و حتی هیچ شخصیت ترقیخواهی نیز از آن پشتیبانی نمی کند بلکه ضدیت خود با رژیم خمینی را آشکارا اعلام می نمایند.

اگر در میان شخصیت ها به تصادف فردی پیدا شود که از این رژیم پشتیبانی کند، از آنجایی که رژیم خمینی بسیار مغرور است، و افکار عمومی جهانی از آن نفرت دارد، چنین شخصی جرأت نمی کند پشتیبانی خود را آشکار سازد.

آنچه به روابط دولتها مربوط می شود، در خاورمیانه و دولت سوریه و لیبی، از رژیم خمینی حمایت می کنند. بدیهی است که پشتیبانی آنها از رژیم خمینی به خاطر آن نیست که آن را يك رژیم مقبول و محبوب تصور نمایند. بلکه روابط دوستی آنها با رژیم خمینی، بیشتر بدلیل خصومتی است که با دولت عراق دارند. آنها از آنجایی که رژیم خمینی را دشمن حکومت عراق می دانند، از آن پشتیبانی می کنند. در مناطق دیگر جهان، بعضی

از کشورهای کوچک که شعارهای افراطی خمینی را نشاندهند، سیاست این رژیم تصور می کنند، مانند شعار ضد آمریکائی، از او پشتیبانی می نمایند. بعضی دیگر نیز از همکاری با رژیم خمینی نظریه منافع اقتصادی خود دارند. مثلاً نفت ارزان از رژیم خمینی می خرند و کالاهای خود را به آن می فروشند. لیکن در اروپا هیچ دولتی - هر چند روابط دوستی و همکاری نیز با رژیم خمینی داشته باشد - از ترس افکار عمومی، جرأت نمی کند درباره این روابط چیزی بگوید. بعضی از کشورهای اروپای غربی سیاست خود را بر اساس منافع اقتصادی کشور خود پی ریزی کرده اند. مانند آلمان غربی و انگلستان. این دو کشور روابط بازرگانی و اقتصادی گسترده ای با رژیم خمینی دارند.

لیکن حتی مقامات این دولتها نیز از ترس افکار عمومی مردم کشور خود نمی توانند و جرأت نمی کنند بطور آشکار از رژیم خمینی دفاع نمایند. * کاک دکتر، همانطور که می دانیم، شما در سفر امسالتان در کنگره انترناسیونال سوسیالیست شرکت نمودید. اگر امکان دارد، لطفاً بفرمائید، این کنگره چه وقت و در کجا تشکیل شد؟ شما به چه عنوانی در آن شرکت کردید و نتیجه کار این کنگره چگونه بود؟

● طبق دعوت انترناسیونال سوسیالیست، که مرکز آن در لندن است، به کنگره هفتم این انترناسیونال رفتم. این کنگره در شهر لیما، پایتخت پرو، و در تیر ماه سال جاری برگزار گردید. انترناسیونال سوسیالیست سازمانی

است که در سال ۱۹۵۱ بوجود آمد .
 دهها حزب سوسیالیست ، دمکرات و
 سوسیال دمکرات ، که طرفدار
 سوسیالیزم هستند ، در ایمن
 انترناسیونال عضویت دارند . البته
 انترناسیونال سوسیالیست از
 هنگامی که تشکیل شده ، انترناسیونال
 احزاب سوسیالیست و سوسیال دمکرات
 اروپای غربی بوده است . هم از این رو
 بوده که نتوانسته است چندان توجهی
 به مسائل کشورهای جهان سوم
 بنماید ، کشورهای که برای استقلال
 و آزادی مبارزه می کردند .
 جنبش های رهائی بخش خلقها ، که
 به شیوه های انقلابی سعی داشتند
 کشورهای خود را آزاد سازند . به
 تدریج این سازمان ، یعنی
 انترناسیونال سوسیالیست ، در کشورهای
 جهان سوم ، مخصوصاً در آمریکای
 لاتین ، نفوذ کرد . اکنون بسیاری از
 احزاب سوسیالیست و سوسیال
 دمکرات آن بختر از جهان عضو
 انترناسیونال سوسیالیست هستند یا با
 آن همکاری می کنند . بعلاوه ، مدتی
 است که انترناسیونال سوسیالیست
 همکاری خود را با کشورهای آسیایی
 نیز گسترش داده است . اکنون بعضی
 از احزاب کشورهای آسیایی ، منطقه
 خاورمیانه و خاور دور ، عضو
 انترناسیونال سوسیالیست هستند .
 در حدود شانزده حزب که عضو
 انترناسیونال سوسیالیست هستند ، یا
 با آن همکاری می کنند ، در کشور خود
 حاکمیت را در دست دارند . یعنی
 هر چند انترناسیونال سوسیالیست
 خود را "آسا" نمی تواند به عنوان یک
 نیروی سیاسی و نظامی عمل کند ، لیکن
 بمثابة یک نیروی سیاسی و معنوی

نقش بسیار مهمی دارد .

رئیس انترناسیونال سوسیالیست
 " ویلی براند " است . او حندی پیش
 رهبر آلمان غربی بود . همه احزابی
 که در انترناسیونال سوسیالیست
 عضویت دارند ، رهبران شان معاون
 رئیس انترناسیونال سوسیالیست
 هستند . مثلاً ، در خاورمیانه ،
 حزب سوسیالیست ترقیخواه لبنان
 عضو انترناسیونال سوسیالیست است .
 هم بدین علت است که در این کنگره ،
 ولید جنبلاط به عنوان معاون
 رئیس انترناسیونال سوسیالیست انتخاب
 شد .

در این کنگره تقریباً چهارصد نفر
 نماینده شرکت داشتند . عده زیادی
 از آنها از آمریکای لاتین آمده
 بودند . اما تقریباً همه احزاب
 سوسیالیست اروپای غربی ، استرالیا ،
 نیوزیلند و چند کشور آسیایی نیز در
 آن شرکت داشتند . همچنین
 نمایندگان سازمانهای آزاد پیخش و
 انقلابی مانند سازمان آزاد پیخش
 فلسطین ، اریتره ، پولیساریو ،
 السالوادور ، شیلی ، پاراگوئه و
 نیکاراگوئه ، و سوواپو از آفریقای
 جنوبی ، شرکت کرده بودند .

برای نخستین بار ، نماینده یکی
 از سازمانهای کردستانی به عنوان
 مهمان در کنگره انترناسیونال
 سوسیالیست شرکت داشت . در این
 کنگره ، آنهاست که عضو انترناسیونال
 بودند ، حق رأی داشتند ، و آنها که
 همکار انترناسیونال بودند در کنگره های
 پیشین نیز شرکت کرده بودند ، و نیز
 مهمانان حق رأی نداشتند ولی
 می توانستند در مجمع عمومی کنگره
 سخنرانی کنند .

پیوستن بعضی از سازمانهای

سیاسی جهان سوم ، مخصوصاً
 سازمانهای آمریکای لاتین ،
 انترناسیونال را از صورت یک
 سازمان اروپایی خارج نموده است . و
 بدین ترتیب انترناسیونال بتدریج
 گستردگی بیشتری می یابد و دمکراتیک تر
 می شود ، و مخصوصاً بیشتر جنبه
 انقلابی پیدا می کند . در این خصوص
 نمی توان انترناسیونال فعلی را با
 انترناسیونال دوم پیش از جنگ جهانی
 دوم مقایسه کرد زیرا در آن زمان ،
 انترناسیونال سوسیالیستی یک
 سازمان اروپای غربی بود و از هیچ
 مبارزه انقلابی و مسلحانه ای حمایت
 نمی کرد . در حالیکه در انترناسیونال
 سوسیالیست فعلی ، ساند نیست های
 نیکاراگوئه بارها به عنوان مهمان
 شرکت نموده و از تربیون آن استفاده
 نمود هاند ، و انترناسیونال نیز از آنها
 پشتیبانی کرده است . این دفعه نیز
 ساند نیست ها در کنگره هفتم شرکت
 داشتند . بعلاوه ، همچنانکه
 گفتم ، فلسطینی ها ، حزب دمکرات
 کردستان ایران و بسیاری از سازمانهای
 انقلابی آمریکای لاتین ، آفریقای
 جنوبی ، و قاره آفریقا بطور کلی ، در
 این کنگره شرکت نموده بودند . لیکن
 واقعیت این است که فعلاً در
 انترناسیونال سوسیالیست ، اکثریت
 آنهاست که از اروپای غربی آمده اند با
 کسانی که نمایندگان سازمانهای
 جهان سوم هستند به شیوه متفاوتی
 با مسائل برخورد می کنند . مثلاً اگر
 سخنان " ویلی براند " را بگفته های
 رئیس جمهوری پرو ، آلن گارسیا ،
 که بسیار انقلابی و ضد امپریالیستی
 بود ، مقایسه نمائیم ، می توان به
 این تفاوت پی برد . در واقع

بادبیر کل حزب

گفته‌های آلن گارسیا ناهد زیادی همان عقایدی را بیان می‌کردند که ما نیز به عنوان حزب دمکرات در ایران داریم. آلن گارسیا در مورد مسائل بسیار مهم مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه در راه دمکراسی و آزادی خلقها نظرانی مشابه نظرات ما را دارد.

بسیاری از مطالبی که در گفته‌های وی برانند وجود نداشت از قبیل حمله به سرمایه‌داری و امپریالیسم، در صحبت‌های آلن گارسیا (که از طرف حزب سوسیالیست پرو به ریاست جمهوری انتخاب شده) شنیده می‌شد.

در قطعنامه‌های انترناسیونال سوسیالیست نیز روح و خصلت ضد امپریالیستی کاملاً چشمگیر بود. در این مورد کافی است اسنادی که در کنگره هفتم به تصویب رسیده، مانند مسأله بدهی کشورهای آمریکای لاتین یا از میان بردن خطرات سلام اتمی، مورد توجه قرار گیرد.

در اینجا می‌خواستم به دو مورد دیگر این کنگره اشاره کنم. یکی از آنها سخنان امیشل روکار، یکی از رهبران برجسته حزب سوسیالیست فرانسه، بود که بیشتر درباره سوسیالیسم دمکراتیک صحبت می‌کرد. هر چند امیشل روکار اروپایی است، لیکن از چند لحاظ سخنان او با تحلیل‌های ما در مورد سوسیالیسم دمکراتیک همخوانی داشت. دوم سفارشنامه‌ای بود که از طرف کنگره انترناسیونال سوسیالیست به عنوان

توصیه، لیا، منتشر شد. البته این سند نهائی انترناسیونال نیست. باید مطالبی به آن اضافه شود و به تصویب برسد. لیکن توصیه، لیا بسیاری از مشکلات سیاسی عصر حاضر را مطرح ساخته است. این سفارشنامه در واقع یک تحلیل انقلابی، ضد امپریالیستی و دمکراتیک است و راه چارمسازی مشکلات موجود را پیشنهاد کرده است، پیشنهاداتی که متضمن دفاع از آزادی و آزادی‌های دمکراتیک، دفاع از حقوق خلقهای تحت ستم، و دفاع از حقوق زن می‌باشد، و نیز روشنگری‌ای است درباره بعضی از جنبه‌های بسیار مهم سوسیالیسم دمکراتیک.

البته، من فایده شرکت خود در کنگره هفتم انترناسیونال سوسیالیست را در دو مسأله می‌بینم. نخست آنکه از نزدیک با انترناسیونال سوسیالیست آشنا شدم. اینک نشریات و اسناد این سازمان را بخوانیم و از دور نظاره‌گر وضع آن باشیم، با شرکت کردن در کنگره آن و اینک حقایق را به چشم خود ببینم و با عده زیادی از اعضا شرکت‌کننده تماس بگیریم و گفتگو کنیم، بسیار فرق می‌کند. تماسی با نمایندگان احزاب سوسیالیست گرفته شده که بدون شک برای آینده حزب ما مفید خواهد بود. دوم آنکه با کشورهای آمریکای لاتین آشنایی پیدا کردم، که به عقیده من دنیای دیگری است و ما تا بحال این دنیا را شناخته‌ایم و هیچ استفاده‌ای از آن نکرده‌ایم. فکر می‌کنم حزب دمکرات باید از فرصتی که برایش پیش آمده استفاده کند و بتدریج روابط خود را با بسیاری از سازمانها

شخصیت‌های دمکرات و سوسیالیست آمریکای لاتین برقرار سازد. زیرا کشورهای آمریکای لاتین، کمیشنراز ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت دارند، مخصوصاً از زمانی که اکثریت آنها بطرف شیوه‌های دمکراتیک تمایل پیدا کرده‌اند، در عرصه سیاست جهان نقش بسیار مهمی بدست آورده‌اند. در واقع حالا تنها دو کشور پاراگوئه و شیلی باقی مانده‌اند که در آنها دیکتاتوری بطور کامل مستقر است. باقی کشورها بطرف دمکراسی رفته‌اند. این جریان دمکراتیزه‌شدن نیز برای ما جالب توجه و آموزنده است. این مسأله نیز که ما به عنوان یک سازمان کردستانی در این کنگره شرکت نمودیم خود نشانگر این واقعیت است که حزب ما را به مثابه یک حزب مسئول، به عنوان یک حزب دمکرات طرفدار سوسیالیسم و نیز چنان حزبی می‌شناسند که در آینده در سیاست خاورمیانه تأثیر خواهد داشت. ما عضو انترناسیونال سوسیالیست نیستیم و تقاضای عضویت نیز نکرده‌ایم. و البته با همه قطعنامه‌ها و سیاستهای آن نیز موافق نیستیم.

متأسفانه، کنگره هفتم انترناسیونال سوسیالیست بعلمت پاره‌ای از رویدادهای ناهنجار، که عبارت بودند از قیام زندانیان سفزندان و بمب‌گذاری در جلو ساختمان هتل محل برگزاری کنگره، نتوانست کارهای خود را کاملاً به پایان برساند و یک روز پیش از موعد پایان یافت. به همین دلیل، درباره مسأله خاورمیانه نیز صحبتی نشد. منهم، به عنوان نماینده حزب دمکرات، نتوانستم در این کنگره صحبت کنم. زیرا هم مهمان

بودم و هم اولین باری بود که به این کنگره دعوت شده بودیم. بنابراین این در این باره زیاد اصرار نکردم.

کنگره، انترناسیونال سوسیالیست هر دو سال یک بار برگزار می شود. کنگره، آینده در شهر استکهلم، پایتخت سوئد، برگزار خواهد شد. امیدوارم، این بار با آمادگی بیشتر و بهتر بتوانیم در این کنگره، که کنگره، هشتم خواهد بود، شرکت نمائیم و صدای خودمان را بسیار رساتر به گوش سوسیالیستهای جهان برسانیم.

● ببخشید، می خواهی سوالی بکنم که شاید با سوالات گذشته چندان هم مطم نباشد. شما صاحبهای مطبوعاتی، رادیویی و تلویزیونی زیادی داشتید. در یکی از مصاحبهها، فرمودید: "می ترسم یک روز صبح که از خواب بیدار شدم، به من خبر بدهند که پیشمرگان حزب بطرف تهران پیشروی کرد مانند". آیا این مطلب صرفاً به منظور تشویق عملیات پیشمرگان در سال جاری و از روی خوشبینی بوده یا دلایل دیگری نیز داشته است؟

● همانطور که می دانید، من عادت ندارم برای سرنگونی رژیم پادشاهی از این قبیل، تعیین وقت بکنم یا تاریخی را معین نمایم. این گفته که در سوال شما آمده، گفته من نیست. برعکس، من در مصاحبه با خبرنگار روزنامه "تایمز لندن"، گفتم در حال حاضر معتقد نیستم یک روز از خواب بیدار شویم و بما خبر بدهند پیشمرگان حزب به تهران رسیده اند. البته این مطلب را نیز به شوخی و در گفتگوهای

دوستانه گفتم و نه در یک مصاحبه رسمی. این یک طرفه مسأله. لیکس اگر رفقای عزیز بیاد داشته باشند، هنگامی که در سال ۱۳۵۸، بتازگی مبارزه، مسلحانه، ما برضد رژیم خمینی شروع شد بود، وقتی از من سوال می کردند تا چه وقت در کوهها سر خواهیم برد. پاسخ من این بود: ۲۵ سال. در آن هنگام، بعضی از رفقا فکر می کردند دارم شوخی می کنم. ولی حالا که هفت سال از آن تاریخ گذشته، بر این باور نیستم که هیچده سال باقی مانده باشد. می توانم با مسئولیت بگویم پیش از گذشته خوشبین هستم. این خوشبینی دو جنبه دارد: از یک طرف شرایط و اوضاع کشور این خوشبینی را در من بوجود آورده است. وضع رژیم، چه از لحاظ نظامی و اقتصادی، وجه از نظر سیاسی و اجتماعی، برآب از گذشته بدتر شده است. مردم بسیار بیش از سابق از رژیم ناراضی هستند. گرچه نمی توانند این ناراضی را آشکارا ابراز کنند. از طرف دیگر خوشبینی من به فعالیتی مربوط می شود که حزب دمکرات، رهبری، اعضا و پیشمرگان آن از خود نشان می دهند. عملیات پیشمرگان در سال جاری، که بسیار موفقیت آمیز بود، بنظر من تنها از لحاظ کمی مهم نیست بلکه جنبه کیفی آن بسیار حائز اهمیت است. وقتی عملیات پیشمرگان در سهاروتابستان را بررسی می کنم، این مسأله توجهم را جلب می کند که پیشمرگان با نظم و ترتیب بسیار مطلوبی دست به عملیات زدند و با طرم برنامه های کاملاً اصولی و با آمادگی تمام به اجرای عملیات پرداخته اند و از این رو کیفیت عملیات بسیار خوب بوده. دلیل

آشکار این مسأله این است که در بسیاری از موارد متحمل هیچگونه تلفات جانی ای نشده اند یا عده شهیدان آنها بسیار اندک بوده است. در حالیکه در میان افراد مسلم رژیم عده زخمی ها و کشته ها زیاد بوده و عده زیادی نیز تسلیم شده اند. در حالیکه این مسأله نشانگر بهبود نظم و ترتیب و بهتر شدن وضع پیشمرگان است، در همانحال نشانه درهم ریختگی وضع رژیم، بویژه در زمینه نظامی است. اینکه در گذشته، افراد مسلم رژیم تا آخرین فنشنگ می جنگیدند ولی حالا خیلی زود تسلیم می شوند، یا اینکه پایگاههایشان به سادگی تسخیر می شود، نشاندهنده این واقعیت است که روحیه افراد مسلم رژیم - که از مهم ترین نقاط قدرت رژیم به حساب می آمد - بشدت سقوط کرده است. در واقع، این نیروها روحیه خود را به کلی از دست داده اند. این پدیده را به عنوان سر آغاز پروسه تازهای می بینم، و آن پایان دوره تعرض و یورش رژیم و آغاز حالت تعرض و یورش پیشمرگان است. البته، این بدان معنا نیست که دیگر رژیم هیچ قدرتی ندارد. لیکس معنای چنین وضعی این است که رژیم روز به روز ضعیف تر می شود و امکان آن وجود دارد از این به بعد پیشمرگان ضربات کوبنده تر و بهتری را بر یکدیگر دشمن وارد سازند.

بعلاوه، به دو دلیل دیگر نیز من به آینده مبارزه خودمان خوشبین هستم. نخست آنکه در بخشهای دیگر ایران نیز تدریجاً مبارزه - حتی مسلحانه - گسترش پیدا می کند. مانند بلوچستان، و نیروهای دمکرات و

انقلابیون ایران احساس مسئولیت می کنند و در جهت وحدت و همبستگی پیشر می روند. دیگر آنکه از نظر بین المللی نیز - همانطور که قبلاً اشاره کردم - رژیم خمینی به عنوان یک رژیم بسیار ستمگر و ضد بشری شناخته شده است. فکر می کنم، حالا هم غرب و هم شرق ند ريجا" ایمن اعتقاد را پیدا کرده اند که این رژیم برای همه بشریت خطرناک است. از این رو است که در عرصه بین المللی نیز هیچ حامی و پشتیبانی برایش باقی نمانده است. همه ایمن واقعیت ها است که بیش از گذشته مرا خوشبین کرده. البته یک خوشبینی واقعگرایانه، نه یک خوشبینی توهم آلود. بنابراین، فکر می کنم سرنگون ساختن رژیم خمینی هنوز هم به این بستگی دارد که نیروهای اپوزیسیون تاجه حد منظم تر، متشکل تر و متحد تر از گذشته، و با هم برای دسترسی به این هدف کوشش خواهند کرد.

● اخبار مربوط به مبارزه قهرمانانه پیشمرگان کردستان چگونه به خارج می رسد و چه بازتابی در آنها دارد؟ این سؤال بیشتر به خاطر این است که، خودتان می دانید، در بهار و تابستان امسال، عملیات پیشمرگان از نظر کمی و کیفی بسیار گسترش پیدا کرد.

● در واقم، عملیات پیشمرگان در بهار و تابستان امسال بسیار وسیع تر از آن بود که انتظار داشتیم. هم از این رو بود که در خارج نیز، مثلاً در بسیاری از روزنامه های معتبر دنیا، در انترنیش، سوئد، انگلستان، فرانسه، آلمان، پرو و ونزوئلا منعکس گردید. بعلاوه رادیو -

تلویزیون های سوئد، انگلستان، فرانسه و آمریکا اخبار مربوط به عملیات موفقیت آمیز پیشمرگان را پخش کردند. منهم که در خارج بود در همه مصاحبه های می گویند هرچه بیشتر در باره پیروزی عملیات پیشمرگان در بهار و تابستان امسال صحبت بکنم.

عملیات پیشمرگان در سال جاری بار دیگر و واقعیت را اثبات نمود. اول آنکه مقامات رژیم به دروغ ادعا می کنند در ایران، حتی در کردستان، هیچگونه مقاومتی نمانده است. عملیات امسال پیشمرگان یک بار دیگر خلافتکونیهای مقامات رژیم و دروغ پردازیهای رادیکالیزم و روزنامه های وابسته به رژیم را برملا نمود. دوم آنکه این تنها کردستان است که مرتباً به رژیم ضربه کاری می زند، و باز تنها پیشمرگان حزب دمکرات هستند که شجاعانه و قهرمانانه مبارزه می کنند. بنابراین، بحق باید گفت حزب دمکرات و پیشمرگان آن در سنگر مقدم و بسیار مستحکم مبارزه قرار دارند و کارآمدترین نیروی فعال برضد رژیم جمهوری اسلامی هستند. در بسیاری از موارد به این واقعیت اشاره شد. مثلاً تلویزیون انگلستان، که گفته می شود شبانه در حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر آن را تماشا می کنند، در وقت بسیار مناسبی مصاحبه مرا پخش کرد. در این مصاحبه، شخصی که برگزارکننده مصاحبه بود، به این سؤال اشاره کرد که اکنون در داخل ایران مقاومت در برابر رژیم تقریباً فقط در کردستان وجود دارد و در کردستان نیز این حزب دمکرات است که حنبش را رهبری می کند.

بدون شك، پیگیر بودن در مبارزه

علیه رژیم و نیز فعالیت رفقای ما در خارج از کشور، باعث می شود از این به بعد اخبار مربوط به مبارزات پیشمرگان و مردم کردستان علیه رژیم خمینی بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

● برای مردم کردستان چه یامی و برای کادرها، اعضا و پیشمرگان حزب چه رهنمودی دارید؟

● از اینکه می بینم بار دیگر میان خود مان و اعضا و پیشمرگان حزب هستم، حقیقتاً خیلی خوشحالم. کشورهای دیگر بسیار جالب هستند و جاهای بسیار جالبی در این دنیا وجود دارد. لیکن برای من هیچ جایی به اندازه میهن خود مان عزیز و خوشایند نیست. و هر بار که از مسافرت برمی گردم بسیار احساس خوشحالی می کنم. هنگامی که آخرین روزهای مسافرتم نزدیک می شود، بیشتر عجله می کنم تا هرچه زودتر به میان رفقا و پیشمرگان حزب و خلق خود مان برگردم.

پیام من به مردم کردستان و سراسر ایران این است که هر اندازه می توانند همبسته و متحد باشند و با هر شیوه ای که مقدورشان می شود برضد رژیم خمینی مبارزه بکنند، چرا که همگانطور که قبلاً گفتم، رژیم به مراتب از گذشته ضعیف تر شده و دیگر ایهت سابق را ندارد. اگر نیروی قدرتمندی وارد میدان شود، قادر خواهد بود این رژیم را سرنگون کند. بنابراین درخواست من از هم میهنان عزیز این است که کلیه امکانات و همه نیروی مبارزاتی خود را در راه سرنگون ساختن رژیم ستمکار گیرند. همچنین درخواستم از مردم شهرها و روستاهای کردستان این

در صفحه ۱۴

گفت و شنود...

است که مانند گذشته به اعضا و پیشمرگان حزب کمک کنند و از آنها حمایت نمایند، چراکه این مردم می دانند حزب دموکرات برای آزادی و خوشبختی آنها مبارزه می کند. آنها می دانند که همه این مبارزات، تحمل دشواری ها و درگیری ها به خاطر همه مردم کردستان و حتی مردم سراسر ایران است.

پیام من به کادرها، پیشمرگان و اعضا، حزب این است که منظم تر و با دیسیپلین تر باشند و رهنمودهای حزب را به خوبی مراعات کنند. البته، حالا بسیار بیشتر از گذشته به انضباط هستند و این مسأله حقیقتاً جای خوشوقتی است. ولی امیدوارم از لحاظ کیفی مرتب تر و منظم تر باشند. نباید فراموش کنند که ضربه زدن به دشمن کار خوبی است، ولی در همان حال باید از یورشهای بی فایده و زیانبخش دوری کنند. گرفتن پایگاههای دشمن به هر قیمتی فایده های ندارد. گرفتن پایگاه و ضربه زدن به دشمن کار خوبی است به شرط آنکه به بهای کمتری صورت بگیرد. باید این مسأله را به خاطر داشت و اشتباهات که جان پیشمرک ها و کادرهای حزب از همه چیز برای ما باارزش تر است و بزرگترین سرمایه حزب است. نباید دشمن ما را غافلگیر کند. بلکه باید همواره دشمن غافلگیر شود. نباید فراموش کنیم که بزرگترین پشتیبانان ما مردم کردستان هستند. پیشمرگان باید در همه حال به شیوه برادرانه و دوستانه با مردم برخورد کنند.

نتیجه

پاره ای از

مصاحبه های...

یک مرکزیت بسیار قوی مجدداً قدرت را به دست بگیرند و این امر برای کردها بسیار نامطلوب است.

در دو سال اخیر پیشمرگان کرد مجبور شده اند تا کتیک جنگی خود را تغییر

چراکه خود پیشمرگان فرزندان محبوب همین مردم هستند و زمانی که مردم کردستان حامی و پشتیبان ما باشند هیچ نیرویی نخواهد توانست ما را شکست بدهد.

در این سفر به روشنی متوجه شدم حزب ما از چه اعتباری برخوردار است و چگونه مانند یک حزب سیاسی مسئول شهرت پیدا کرده است. این اعتبار روز بروز بیشتر می شود. من حقیقتاً افتخار می کنم عضو حزب دموکرات هستم. فکر می کنم این نتیجه سیاست صحیح حزب ما، نتیجه شناساندن زندگی و مبارزه مردم کردستان در خارج از کشور، و در همان حال شرف و فداکاری و از خودگذشتگی اعضا و پیشمرگان حزب است.

امیدوارم همه ما پیگیرانه این راه را ادامه دهیم چرا که یقین دارم این تنها راه پیروزی ما است. این راهی است که "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" را تأمین خواهد کرد.

سپاسگزارم.
